

اندیشه‌ها همواره در مسیرهای باز رگانان، جنگجویان یا راهبان مذهبی سفر می‌کردند

اندیشه‌ها در راه

فرانسو - برنار اوئیگ

به بحث می‌گذارند، هیچ یک مایه شگفتی نیست، درست همان‌گونه که استفاده از تلویزیونهای ساخت زبان یا پوشیدن لباسهای پاکستانی در اروپا جای شگفتی ندارد.

امروز کوشش می‌شود که با مفهوم جهانی شدن که خود نیز مفهومی در سفر است، دگرگونهای اخیر را توصیف کنند، یعنی هم گردش کالاهای مادی را تبیین کنند و هم گردش کالاهای غیرمادی، دانشها، الگوهای اندیشه و داوریها را. گرایش‌های فلسفی و سیاسی امروز جهان غرب از توان بارور گردش آزاد اندیشه‌ها تمجید می‌کنند، گردشی که به نظر می‌رسد فن آوری آن را سهل و آسان کرده است. به طور قطع

اندیشه‌ها چگونه سفر می‌کنند؟ شاید طرح چنین پرسشی آن هم در مجله‌ای که به دهها زبان ترجمه می‌شود و در سرتاسر جهان خواننده دارد، پرسشی نابجا به نظر آید. اگر تمايز میان بازنمایی و اعتقاد و اطلاعات را نادیده بگیریم و به شیوه‌ای بسیار کلی، اندیشه‌ها را فراورده ذهن یک انسان به شمار آوریم که ذهن یک انسان دیگر می‌تواند آن را تصاحب کند، تصدیق می‌کنیم که اندیشه‌ها کاری جز سفر ندارند، اینکه در کالیفرنیا پیروان بودا وجود دارند یا در چین قضیه‌های اقلیدس را مطالعه می‌کنند یا در استرالیا درخواستهای یک جنبش سیاسی امریکای لاتین را

بخشی از نقشه و نیزیها از کرانه‌های
اوایل سده شانزدهم).



آنچه در این مورد بحث انگیز است پرسشهای از این دست است: چه اندیشه‌ها و گفتمانها باید اجازه انتشار داشته باشند؟ آیا نظارت بر رسانه‌ها به معنای دستکاری و اداره ذهن مردم نیست؟ و در کل، آیا سکه تقلیبی کلیشه‌ها و اطلاعات نادرست و ابتذالها سکه راستین را از رونق نمی‌اندازد؟ اما در هر حال، پرسش درمورد «چگونگی» سفر اندیشه‌ها توجه چندانی را برنمی‌انگیزد چون گویا به این پرسش کاملاً پاسخ داده شده است.

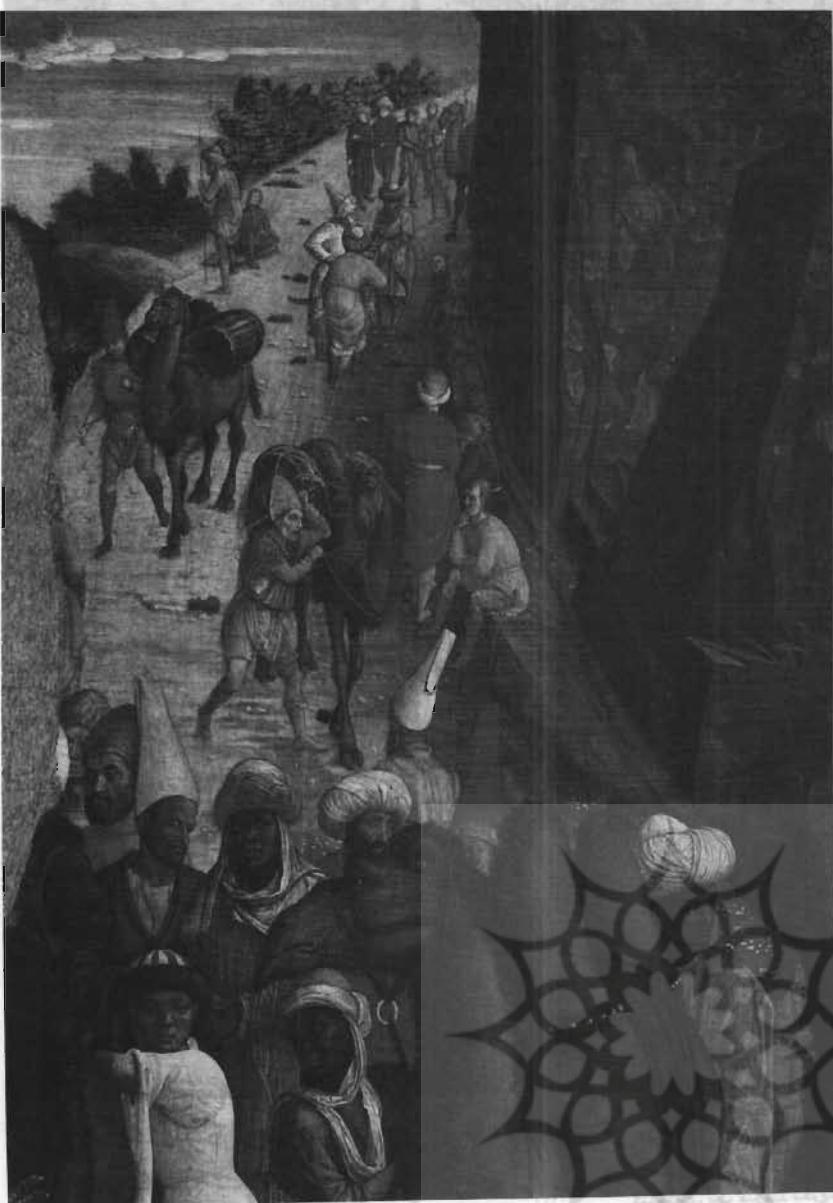
ما تا حدودی فراموش می‌کنیم که اندیشه چیزی است ناپیدا که با رد پایش هویدا می‌شود، و نمی‌تواند جهان را تغییر دهد مگر آنکه جهان را درنوردد. بجز انتقال شفاهی و مستقیم یک اندیشه که به ناگزیر موردی محدود است، میان مبدأ یک اندیشه و مغز آن کسی که این اندیشه را گاه در زمان یا مکانی دور دریافت می‌کند مانها و میانجیهایی وجود دارد.

اندیشه برای غلبه بر زمان و مکان می‌باشد تداوم داشته باشد و حرکت کند؛ می‌باشد در حافظه ذخیره شود و انتقال یابد. البته اندیشه در طول این فرایند و نقل و انتقال تغییر می‌کند، حال چه این فرایند روی شبکه اینترنت و در کسری از ثانیه انجام گیرد و چه همانند برخی از باورهای دینی چندین سده به طول انجامد. عملهای این تغییر بی‌شمارند: تغییرهای حاصل از ترجمه، تحریفهای ناشی از وجود میانجی یا رونویسگر، قالبی که انتقال اندیشه در چهارچوب آن انجام می‌گیرد، و عاملهایی همچون گم و تلف شدن، سانسور، دستکاری، تأویل و غیره. پیام با حرکت تغییر می‌کند.

■ بزوگراههای اندیشه

اندیشه‌ها از رهگذر راههایی که فن آوری آنها را دگرگون کرده است گسترش می‌یابند. صنعت چاپ کتابها را تکثیر می‌کند و بدین ترتیب اندیشه‌ها را در برابر خطرهای ناشی از رونویسی، نابودی، سانسور یا سفری در نیمه راه متوقف شده بیشتر حفظ می‌کند. به یمن اختراج تلگراف، پیام توانست برای نخستین بار سریعتر از انسانها انتقال یابد. به یمن امواج، گفتارها و کمی بعد تصویرها دیگر از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر حرکت نکردن بلکه تمامی سرزمینها را پوشش دادند و مرزها و دیوارها را پشت سر گذاشتند. به یمن تله‌ماتیک و اتصال زنجیری میلیونها حافظه رایانه‌ای، ثبت و جستجو و انتشار داده‌ها به عملیاتی واحد بدل شده است.

بخش اعظمی از تاریخ بشری گواه آن است که اندیشه‌ها به دشواری و بسیار کم انتقال یافته‌اند. آن هم با همراهی انسانهایی که به کنده و در شرایطی خطرناک و خلاصه کنیم در جاده‌ها راه می‌یمودند. برای مدهای مدد تقاوی میان حرکت انسانها و کالاهای با حرکت اندیشه‌ها وجود نداشت. اندیشه‌ها سفر می‌کردند، حال چه به صورت دستنوشته‌ها و چه تصویرها یا باورها یا در حافظه دانش پژوهان یا مؤمنان دینی، چه بر پشت اسیها یا شترها و چه در ابار کشتهای یا بر



بخشی از نقاشی
ستایش مجموعان شرق
اثر آندره آماتینیا (۱۵۰۶-۱۴۳۱).

پای پیاده‌ها، بُرد و آهنگ انتشار و درنهایت، موقفیت فها و برداشتهای علمی یا باورهای دینی که ما وارث آن هستیم همگی بستگی داشت به تمامی عاملهایی که حرکت زمینی یا دریایی انسانها را بر می‌انگیخت، تسهیل می‌کرد یا مانع می‌شد. یونسکو به درستی موضوع جاده‌ها را به منظور هماهنگ و متحده کردن پژوهه‌های متصرک بر گفتوگو و تأثیر مستقابل فرهنگها در پیش رو قرار داده است. جاده‌های باستانی نام خود را از کالای گرانهایی که در آنها حمل می‌شده است گرفته‌اند: جاده ابریشم، جاده آهن و حتی جاده بر دگان. جاده‌های دیگری نیز وجود دارند که کمتر با حرکتهای تجاری و بیشتر با مرکزهایی که به آنها ختم می‌شوند شناخته می‌شوند: بیت المقدس، شهر مقدس سه دین یکتاپرست: آندها، استانی که سه فرهنگ در آن با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز دارند.

استعاره‌ای واضح و روشن در دست است: با جاده، هر آنچه نو است به دسته ای می‌رسد، هر آنچه مبادله می‌شود و ما را تغییر می‌دهد، هر آنچه از محدوده‌هایمان فراتر می‌رود و ما را دگرگون می‌کند؛ به یمن جاده، همواره اندک چیزی از

به چه شکل و از چه مسیری عبور کرده‌اند و می‌توان فهمید که طی سفر چه اتفاقهایی برایشان رخ داده است.
هر تأملی درباره خاستگاه فرنگها و هر بحث و سخنی درمورد درهم‌بافتگی و گفتوگو و بارورسازی متقابل آنها، به واقعیت‌هایی کاملاً عینی بازمی‌گردد: مسافران از چه قماشی بودند؟ سفرشان چه مدت طول کشیده و در طی مسیر چقدر تلفات داده‌اند؟ به چه زبانی سخن گفته‌اند؟ چه نوع بایگانی یا نامندگاری داشته‌اند؟ چه تصاویری را حمل می‌کردند؟

■ سربازان، بازرگانان، خطیبان

سربازان از جمله کسانی هستند که بیشترین سهم مسافران را دارند: جنگ نه تنها اختراعهای فن آورانه و ابرارهای انتقال را بر می‌انگیزد بلکه آشفتگاهی را نیز به سار می‌آورد چون فاتحان با استقرار در سرزمینهای جدید موجب فرار گروهی از مردم و تبعید گروه دیگر می‌شوند. به علاوه، جنگ موجب آمیزش مردمان و باورها و دانشها می‌شود. گاهی فاتح نخستین کسی است که ارزش اطلاعات جدید را درمی‌یابد: سپاهیان اسکندر را هیئت‌های علمی همراهی می‌کردن؛ سپاهیان اموی از آسیای مرکزی صنعتگران کاغذ را با خود به همراه آورده‌اند؛ تیمور لنگ در کشتارهای دسته‌جمعی خود از کشن دانشمندان و نویسندهای و هنرمندانی که می‌خواست به خدمت بگیرد چشم می‌پوشید. و اگر جاسوسی را — به دلیل انتشار بسیاری از رازهای فن آورانه (که مشهورترین آن صنعت ابریشم بود)، نقش‌نگاری، علوم و غیره — شکل دیگری از جنگ بدانیم، به آن هم مدیون هستیم.

جاده‌های حمل اندیشه‌ها با جاده‌های حمل کالا در هم می‌آمیزند. جستجوی فراورده‌هایی از دور دستها که در مقایسه با خطوط و زمان سفر سودآور باشند، یکی از دلیلهای اصلی‌ای است که افراد را تا به آن سر دنیا می‌کشاند، افرادی علاقه‌مند به استقرار شبکه راههای و سازمان دادن سفرهای امن بسیار که اغلب خواندن و نوشتن می‌دانستند و جویای چیزهای نو بودند.

به طور قطعی، هدف بازرگانان نه تغییر جهان بود و نه توصیف آن، و آنچه آنان می‌گفتند یا مشاهده می‌کردند همواره ثبت نمی‌شد یا انتشار نمی‌یافت، و در واقع بازرگانان اندیشه‌ها و اطلاعات را به منزله کالای فرعی سفرهایشان انتشار می‌دادند. تجارت بویژه یکی از حاملان بزرگ و غیر مستقیم مذهب بوده است: تاجران با گرد هم آمدند در سرزمینهای پیگانه و انجام آئینهای خود اغلب دیگران را به کیش خود در می‌آورده‌اند. مثلًا، تاجران عرب قرآن را در سرزمینهای بسی دورتر از سرزمینهای فتح شده به دست عربها در سده اول هجری، ترویج کرده‌اند. گاهی جاده مسیر خطیب و تاجر بنا به دلیل صرف‌آمنیتی یا مطلقی یکی می‌شد. سفر به سوی مادر شهرها با کاروانها یا کشتیهای تجاری مطمئن‌تر بود و مردمان روش اندیش این شهرها استقبال



نخستین دستگاه چاپ در مکزیکوستی به سال ۱۵۲۹.

دادن هویت تلاشی است ناموفق. البته چنین تماسهایی همیشه و به ناگزیر دلپذیر و صلح آمیز نیست. اشغالگران، آزاررسانان، زندانیان و تبعیدها نیز با جاده فرا می‌رسند. گرچه اندیشه‌ها با حرکت دچار تحریف یا تغییر می‌شوند اما عکس آن نیز صادق است. اشغالگران خود را با تمند شکست خوردهای همگون می‌کنند، و قربانیان تجارت برده، فرنگ سرزمینی را که به آنها تبعید می‌شوند بارور می‌سازند. روی هم رفته علاوه بر مکانهای به یاد ماندنی که نمادی از گذشته مشترک اجتماعهای است، جاده‌هایی به یاد ماندنی نیز وجود دارند: مسیرهای جغرافیایی دقیقی که رتبه‌ی حركت مادی مرتبط با تغییر ذهنی را حفظ می‌کنند. معماًی به رمز و راز زمانی حفظ باورها، الگوها، دانشها، سنتها و دیگر شکلهای بازنمایی در طول نسلها افزوده می‌شود، معماًی جغرافیایی جابه‌جایهای این باورها و اندیشه‌ها، به دیگر سخن، معماًی حركت چیزهای غیرمادی. مسئله زمان با مسئله بُرد جغرافیایی مرتبط است. با دنبال کردن مسیر حاملان عینی کالاهای ذهنی یا دسته‌های مسافران، می‌توان درک بهتری از آن داشت که صنعت آهن یا کاغذ، اخترشناسی یا عدد صفر، آیین بودا یا اسلام، و افسانه‌ی یا یک ژانر موسیقی

مسیرهای پر رفت و آمدشان که با معنویت نمادین قدر تمدنی اعتبار می‌یابند، تحولهای فرهنگی مهمی روی می‌دهد. طی سده‌ها، دانشجویان در دانشگاههای تاکسیلا، بولونیا و سوربون با یکدیگر ملاقات کردند. گاهی خواست یک پادشاه یا خلیفه، استعدادها و دانش پژوهان مستعد و دست‌نوشته‌های نادر را جذب می‌کرده است. در این مورد، کسانی که به سوی کتابخانه اسکندریه یا «خانه حکمت» در بغداد یا در بار قرطبه در اسپانیا یا در بار راجه دوم در سیسیل می‌آمدند، دیگر جستجوگران رستگاری و دانش نبودند بلکه حاملان اندیشه‌ها، فیلسوفان، پزشکان، اخترشناسان و مترجمانی بودند که در این مکانها، امنیت مادی و انگیزه فکری می‌یافتد.

ترویج هدفمند یا انتشار اتفاقی، گسترش یا جاذبه، گذار آرام از مکانی به مکانی دیگر یا گسترش تاریخی، استمرار چهرا فایابی یا اتفاق حاصل از بروز جنگ، جاذبه چهارراه‌های هزاران ساله تمدن یا کشف راهی جدید، همه و همه مجموعه‌ای پیچیده را شکل می‌دهند، مجموعه‌ای از سدهای مادی و ذهنی، از خطوط مکان‌شناسی نیروها و از استراتژیهای انسانی که نتیجه نهایی اش آن است که آیا یک اندیشه امکان ندار در مکان و زمان را یافته است یا نه؛ و آیا مستنی که در مکان و فرهنگی خاص نوشته شده، برگوشه دیگری از قاره تأثیر داشته است یا نه. برای درک اینکه ما از کجا آمدی‌ایم، همچنان می‌بایست جاده‌های هزاران ساله را از بو درون دردند.

بهرتری از پیامهای دینی می‌کردند. از همین رو بود که راهبان بودایی نیز راههای تجاري را در پیش گرفتند. دینهای فراگیر سومین دلیل برگ سفر اندیشه‌ها هستند، اما سفری که این بار سفری است هدفتند. آیین بودا، مسیحیت و اسلام تعیین کرده‌اند که مُروجان ایمان باید برمنای کدام مجموعه از نوشه‌های فقهی، کدام تصویرها و چه شکل از سازمان اجتماعی، رستگاری را در سرتاسر جهان تبلیغ کنند. پرسشها بی همچون پرسشها بی که در بی می‌آید مجادله‌های اصول پرستانه و حتی کفرآمیز را برانگیخته است: آیا بازنمایی بدن بودا، کشیدن تصویر پیامبر اسلام یا شمایل نگاری مجاز است؟ آیا باید قرآن را ترجمه کرد یا می‌توان انجیل را انتشار داد؟ چه احکامی (سوтра) در آیین بودا به فقه مورد پذیرش تعلق دارد؟ چه کسی مجاز است که گفتار پیامبر اسلام را تفسیر کند؟ آیا راهبان باید زندگیشان را وقف نیروانی خاص خود کنند یا وقف پاسخگویی به بی‌دینان؟ یسوعیها تا چه حد می‌توانند رسالت انجیل را با فرهنگ چینی سازگاری دهنند؟ پاسخ نظری و عملی به این پرسشها تعیین می‌کند که اندیشه‌های دینی انتقال یافته به هزاران کیلومتر آن سوتر چه شکلی به خود می‌گیرند.

اندیشه‌ها هم وارد و هم صادر می‌شوند. می‌بایست نقشه دیگر را نیز به نقشه انتشار و دگرگونی اندیشه‌ها افروزد، به دیگر سخن، نقشه مرکزهای جذب معنوی و فکری که زیارتگاهها مهمترین آنها هستند. مردم سرتاسر جهان یکدیگر را در بیت المقدس، مکه و ساتیاگو کامپوستلا ملاقات می‌کنند و در هم می‌آمیزند. در این مکانها و در



وهو الذي أدى إلى نوحٍ موسى وشيك وهو الذي استطاع على الأقل المُسيء واستقرَّ عوضًا عن هُوشانك ونفع عليه الرعايا بجهة الملك وسلك
حاجة الفرز والأساف واستمرَّ في السلطة مدة ثماني سنٍ ونَجَّ موسى وسليمان ملكَ سَانعَيهِ ما منهاهُ وعُيُونُهُ هي الكنْدَساتِ وهم مُتَبَرِّضُ
خرسانيه في الأنْجَيَّ وضمَّنْتَهُ عَيَّانَةً بيابور وفرايدَ الْهَمِّ وزَرَّماهُ طهْرَشْ عبادةَ الأدواءِ وسبَّ ذلكَ أنَّ بعضَ السُّنَّةِ حَدَّثَهُ بِأَنَّهُ يَلْمُزُ
خُلُوكَ شَرِيفٍ وكانَ كلَّ مِنْ ثَمَنِهِ اوقِبَ الحَدَّ على صورَهِ منَ الأَسْنَاطِ إِلَيْهِ ونَكَّهَهُ بِقَوْمِهِ وصَارَ لَكَ مُسْتَهْلِكٌ مُسْتَهْلِكٌ مُسْتَهْلِكٌ مُسْتَهْلِكٌ مُسْتَهْلِكٌ مُسْتَهْلِكٌ

طہمورث سرتا پا مسلح،
پادشاہ مغول بے ہمراہ یک کتاب
عرب، بخشی از مینیانوری متعلق رہ
سدہ هشتہ هجری، در کتاب التواریخ
بے قلم رشید الدین (۱۲۴۷-۱۳۱۸) کے
یکی از شاہکارهای ادبیات
تاریخی جهان است.